

The Washington Post

جزئیات انفجار پیجرها در لبنان

طبق ادعای روزنامه واشنگتن پست، موساد در دستگاه‌های ارتباط رادیویی (پیجر) که ۲۷ شهروید در لبنان منفجر شد و حداقل ۱۱ شهید و ۴ هزار مجروح بر جای گذاشت، بمب کار گذاشته بود. این رسانه آمریکایی در گزارشی اختصاصی نوشت: «پیجرهایی که در لبنان منفجر شد، توسط موساد طراحی و در اسرائیل مونتاژ شده بود». واشنگتن پست روز دوشنبه گزارش داد، پیجرهایی که ماه گذشته در لبنان منفجر شدند، در اسرائیل به مواد منفجره مجهز شده بودند. هدف این بود که هر دو دست کاربران پیجرها منفجر شود و آن‌ها دیگر توان جنگیدن علیه اسرائیل را نداشته باشند. سه‌شنبه ۲۷ شهریورماه بود که دستگاه‌های ارتباط رادیویی (پیجر) در لبنان منفجر شد. «فراس الایض» وزیر بهداشت لبنان آن روز گفته بود که حداقل ۱۱ نفر شهید و ۴ هزار تن دیگر زخمی شدند و وضع ۴۰۰ نفر از مجروحان وخیم است. این روزنامه آمریکایی در گزارش خود، این اقدام تروریستی را «عملیات پیجر موساد» و «نفوذ اسرائیل به درون حزب‌الله» خواند و مدعی شد که جزئیات جدیدی از طرح این رژیم برای خرابکاری دستگاه‌های ارتباطی حزب‌الله برای کشتن یا معلول کردن هزاران نفر منتشر کرد. طبق این روایت ادعایی، دو سال قبل و در فروش اولیه پیجرها به حزب‌الله، خط جدید پیجرهای مدل AR۹۲۴ از «آپولو» که مناسب استفاده برای ارتباط شبکه‌ای گسترده بین نیروهای حزب‌الله بود، به آن‌ها داده شد. واشنگتن پست نوشت که «این پیجر کمی حجیم بود، اما برای سالم ماندن در شرایط میدان جنگ ساخته شد. این دستگاه دارای طراحی تایوانی ضد آب و باتری بزرگی بود که می‌توانست ماه‌ها بدون شارژ کار کند. مهمتر از همه، هیچ خطری وجود نداشت که پیجرها توسط اسرائیل ردیابی شوند. رهبران حزب‌الله آنقدر تحت تأثیر قرار گرفتند که ۵۰۰۰ عدد از آن را خریدند و در ماه فوریه شروع به تحویل آن‌ها به جنگجویان سطح متوسط و پرسنل پشتیبانی کردند». طبق این روایت، «ایده عملیات پیجر در سال ۲۰۲۲ آغاز شد. بخش‌هایی از این طرح بیش از یک سال قبل از حمله ۷ اکتبر حماس شروع به اجرا کرد؛ زمانی که آرامش نسبی در مرزهای اسرائیل با لبنان حاکم بود.» موساد سال‌ها تلاش کرده بود تا با نظارت الکترونیکی و اطلاعات انسانی به درون حزب‌الله نفوذ کند، اما رهبران این گروه درباره نفوذ سایبری و هک تلفن‌های همراه نگرانی داشتند. به گفته مقامات استنادی این روزنامه، «اسرائیلی‌ها به مدت ۹ سال به استراق سمع حزب‌الله‌راضی بودند، در حالی که این گزینه را محفوظ می‌دانستند که در یک بحران آینده تجهیزات‌واکی تاکی (بی‌سیم) را به بمب تبدیل کنند. اما پس از آن یک فرصت جدید و یک محصول جدید پرزرق و برق پیش آمد: «یک پیجر کوچک مجهز به یک ماده منفجره قوی»... حزب‌الله به طور غیرمستقیم هزینه بمب‌های کوچکی را به اسرائیلی‌ها می‌پرداخت که باعث کشته یا زخمی شدن بسیاری از عوامل خودش می‌شد.» آن‌ها اضافه کردند، «چون رهبران حزب‌الله نسبت به خرابکاری‌های احتمالی هوشیار بودند، منشأ پیجرها نمی‌توانست از اسرائیل، ایالات متحده یا هر متحد دیگر اسرائیل باشد. بنابراین، در سال ۲۰۲۳، حزب‌الله شروع به دریافت درخواست‌هایی برای خرید عمده پیجرهای آپولو با نام تجاری تایوانی کرد که یک علامت تجاری و خط تولید شناخته‌شده با توزیع در سراسر جهان بود و هیچ پیوند قابل تشخیصی با منافع اسرائیل نداشت. مقامات البته گفتند که شرکت تایوانی از این طرح اطلاعی نداشت.»

به روایت ادعایی واشنگتن پست، یک زن عاملی بود که پیشنهاد فروش این پیجرها را به حزب‌الله داد؛ زنی که این روزنامه به هويت او اشاره‌ای نکرد. به ادعای این گزارش، این زن، نماینده سابق فروش خاورمیانه برای شرکت تایوانی بود که شرکت خود را تأسیس کرده بود داشت. او در سال ۲۰۲۳ به حزب‌الله پیشنهاد خرید مدل AR۹۲۴ آپولو را داد. یک مقام اسرائیلی گفت: «این زن کسی بود که حزب‌الله در تماس بود و به آن‌ها توضیح داد که چرا پیجر بزرگتر با باتری بزرگتر از مدل اصلی بهتر است». واشنگتن پست نوشت که «دسترسی از راه دور موساد به این پیجرها نامرئی بود. یک سیگنال الکترونیکی از سرویس اطلاعاتی می‌تواند باعث انفجار هزاران دستگاه در یک زمان شود. اما، برای اطمینان از حداکثر آسیب، انفجار همچنین می‌تواند با یک روش دومر حل‌ای خاص ایجاد شود.» یکی از مقامات درباره پیام امن رمزگذاری شده روی پیجرها برای آسیب زدن حداکثری به کاربران گفت: «برای خواندن پیام باید دو دکمه افشار می‌دادید و در عمل، این به معنای استفاده از هر دو دست بود. هدف این بود که در انفجار بعدی، کاربران تقریباً «هر دو دست خود را زخمی کنند» و بنابراین «دیگر نمی‌توانند بجنگند».

می‌داند که بدون حمله مهلک و عمیق به لبنان امکان تجزیه حزب‌الله را ندارد. اسرائیل در جنگ فرسایشی خود در غزه شکست خورده است. هیچ دلیلی وجود ندارد فرض کنیم که در جنگ فرسایشی با لبنان موفق خواهد بود. این ارزیابی البته برای شرایطی است که ایران وارد درگیری نشود. اگر ایران وارد شود و یک جبهه موشکی دیگر در قلب اسرائیل باز شود، ژنرال‌ها می‌دانند که چه کسی را مسئول شکست غیرقابل جبران بدانند، به‌ویژه اگر نتانیاهو نخست‌وزیر باقی بماند.

ارتش اسرائیل از «نمایش قدرت» (که لزوماً شامل کشتار هر تعداد لازمی از شهروندان لبنانی باشد) استقبال می‌کند که بتواند اعتراف به شکست را برای حزب‌الله رقم بزند. چنین اعترافی چه چیزی را در پی دارد؟ اول از همه، آتش بس. اما پس از آتش بس چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا مذاکراتی که در قطعنامه ۱۷۰۱ تعیین شده بود بالاخره آغاز می‌شود؟ بالاخره این مخالفان نتانیاهو هستند که هم‌اکنون شعار «گروگان‌ها) را برگردان و برگرد (با حماس در غزه مبارزه کن)» را سر می‌دهند. چه کسی می‌تواند بگوید که اسرائیل تلاش نمی‌کند از حربه مشابهی استفاده کند؟ ارتش اسرائیل این موضوع را می‌داند و بدان آگاه است. به حزب‌الله هم اعتماد ندارد. بنابراین نتیجه باب میل احتمالی که بیشتر گفته شد، عملاً رخ نمی‌دهد.

فقدان اجماع در میان تصمیم‌گیرندگان اسرائیلی بیشتر شده است. سربازان پیاده، که بیشتر ژنرال‌های ارتش اسرائیل برای آنها احترام قائل‌اند، احساس می‌کنند دستاوردهایشان در غزه مورد تقدیر قرار نمی‌گیرد و ژنرال‌ها قدردان لحظه‌ای برای جبران آن هستند. آژانس اطلاعات نظامی اسرائیل راضی بود که اهدافی را برای بمباران در اختیار بگذارد اما همچنین می‌داند که توانایی حزب‌الله برای آسیب بزرگ به اسرائیل خدشه‌دار نشده است. موساد و شین‌بت، آژانس‌های اطلاعاتی غیرنظامی اسرائیل، به‌دنبال دستاوردهای تاکتیکی اما عمدتاً ناتوان (و بی‌تعمیل) به ارائه هر نوع چارچوب استراتژیک برای مخصصه اسرائیل است. نتانیاهو هم‌مانطور که گفته شد به یک جنگ نیاز دارد و اما از نظر سیاسی باید محتاط باشد. به‌رغم پیچیدگی‌های غزه و شرایط بسیار سخت مبارزه از نظر اسرائیل یک جنگ توجیه‌پذیر است. جنگ در لبنان ذاتاً توجیه‌پذیر است.

اگر چنین باشد، بعد از آن چه می‌شود؟ آیا راه حل مثبتی وجود دارد که بتوان آن را برای یک شرایط سخت اجرا کرد؟ پاسخ واضح این است که اسرائیل می‌تواند دوباره توجه خود را به غزه برگرداند و در آنجا به توافق آتش بس برسد. اگر این کار را انجام دهد می‌تواند حزب‌الله را آزمایش کند، با فرض اینکه این گروه به وعده خود مبنی بر اینکه در صورت اجرای توافق آتش بس در غزه از حملات خود دست برمی‌دارد، عمل کند. تحمیل مسئولیت بر شانه‌های حزب‌الله پیروزی واقعی برای اسرائیل است که حالا از سوی بسیاری از قدرت‌های جهانی به‌عنوان عامل اصلی آشوب دیده می‌شود. آیا اسرائیل می‌تواند به بلوغ سیاسی برای انجام این کار برسد؟ من شک دارم. دولت اسرائیل دیگر آن دولت یک سال پیش نیست. از هفتم اکتبر ذهنیت‌ها و افکار مختلف از بین رفته‌اند. اتفاق نظر اسرائیلی‌ها در ظلم، بی‌بازاری و سرسختی (حزب‌الله) گسترش یافته و تقریباً کل طیف سنتی سیاسی از چپ تا راست را دربرمی‌گیرد. اسرائیلی‌ها حالا بر این باورند که دهه‌هاست خود را با افکار صلح و همزیستی فریب داده‌اند. آنها اصرار دارند حقیقت این است وقتی که فلسطینی‌ها (اعراب و ایرانی‌ها) به حال خود رها شوند، می‌خواهند اسرائیل را نابود کنند. این الف‌ا و ام‌گای مخصصه اسرائیل است. تخریب یک علت کلی است. نمی‌توان با اعتدال با آن رفتار کرد. اسرائیل باید برای نابودی آماده شود.

شاید نتانیاهو که در یک سال گذشته نشان داده فقط به راه حل نظامی تکیه می‌کند که دلیل آن می‌تواند پیشرفت‌های شخصی سیاسی‌اش باشد، فکر می‌کند می‌تواند حزب‌الله را بمباران کند. اسرائیل ممکن است آنقدر صدمه بزند که تغییر کیفی در آنچه حزب‌الله انجام می‌دهد، ایجاد کند. اما جنگ‌ها هیچ‌وقت به اینجا ختم نمی‌شوند.

حزب‌الله دوباره خود را بازسازی می‌کند زیرا هدف آن بر یک مکان مردم خاصی استوار است: لبنان و شیعیان آن. این درسی است که ناتو خیلی دیر در افغانستان آموخت و در اینجا آگاهانه مورد توجه قرار می‌گیرد؛ اینکه کشتار فرماندهان میانه در حملات شبانه آنها را خشمگین‌تر می‌کند و فرزندان پسر آنها چاره‌ای ندارند تا با شما مذاکره کنند. اسرائیل جادوگری خود را در جنگ به رخ می‌کشد و زمانی که چشم خود را بر تلفات غیرنظامیان می‌بندد، می‌تواند هزینه‌های شدیدی را متحمل شود. با این حال راه پیش‌رو مشخص نیست.

ممکن است برای کابینه جنگ نتانیاهو آنقدر مهم نباشد که حزب‌الله تصمیم به عقب‌نشینی بگیرد یا در داخل بمباران شود. اما درس خشونت در این منطقه این است که در دهه‌های آینده، اغلب به روش‌های غیرمنتظره و وحشیانه به عاملان آن باز می‌گردد.



جنگ چه فایده‌ای دارد؟ تا کی ادامه بستگی دارد از کی برسید. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل جنگ می‌خواهد اما از شروع آن می‌ترسد، چون اگر کمین نظامی‌اش شکست بخورد نمی‌خواهد تمام تقصیرها گردن خودش بیفتد. برای اسرائیلی‌ها، تا زمانی که ارتش حمله زمینی نکند، جنگ محسوب نمی‌شود.

بالاخره این دقیقاً همان کاری است که در غزه انجام داده. بمباران هوایی بزرگ و همه‌جانبه تلاشی سیستماتیک در تلاش برای از بین بردن حماس است. وحشت‌های گوناگون ناشی از حمله زمینی (از اسم جمع استفاده کردم چون اسرائیل به برخی از قسمت‌های نوار غزه بیش از یک‌بار حمله کرده است) حماس را هدف گرفته و غیرنظامیان یا «سپر انسانی» بودند یا «حامی و قدرت‌بخش حماس». اگر نتانیاهو این جنگ را راه نیاندازد، آن را برعهده گالات می‌گذارد که اعلام کند «عملیات به‌پایان رسیده» و سپس افتخار آن را بر اساس شرایط قبول یا رد می‌کند.

ارتش اسرائیل جنگ را هم می‌خواهد و هم نمی‌خواهد. لبنان، میدانی است که ممکن است بخواهد شکست‌های فاجعه‌بارش در غزه را به کمترین میزان خود برساند. بالاخره، ارتش دو هدف را برای جنگ غزه گذاشته بود؛ بازگرداندن گروگان‌ها و از بین بردن حماس که هیچ‌کدام را به‌دست نیاورده است. لبنان قلمرو دست‌نخورده‌ای برای «اقدام» و تضمین حمایت آمریکا از سال ۱۹۸۳ و بمبگذاری انتحاری در سفارت آمریکا در بیروت که منجر به کشته‌شدن ۶۳ نفر شد، دچار سوگواری طولانی و عمیقی شده و به‌دنبال ضربه زدن به حزب‌الله بوده است. رهبران نظامی اسرائیل با «اجرای» عملیات در لبنان، امیدوارند شرمندگی در غزه را تا حدی جبران کنند. حزب‌الله یک دشمن نیرومند است اما در عین حال بسیار سازمان‌یافته و قابل دسترس‌تر از حماس. حزب‌الله ابزارهای مواد منفجره قابل شناسایی دارد، دستگاه اطلاعاتی اسرائیل در آن نفوذ کرده‌اند. این گروه ساختار فرماندهی حرفه‌ای دارد که به‌نوعی از مردم محلی فاصله گرفته است. اسرائیل می‌تواند در جنگ لبنان پیروز شود. ارتش اسرائیل شدیداً به یک پیروزی نیاز دارد.

اما ارتش هم جنگ نمی‌خواهد. رهبران نظامی این را می‌دانند که پس از ۱۱ ماه جنگ در غزه، توان سربازان به کمترین سطح خود رسیده است. ارتش اسرائیل می‌داند که وضعیت تسلیحاتی‌اش خیلی خوب نیست، حتی با حمایت وعده‌داده‌شده آمریکا. از آن طرف متحدان اسرائیل حالا در حفا از ارسال سلاح اجتناب می‌کنند. ارتش اسرائیل همچنین

قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت سازمان ملل به‌پایان رسیده که خواستار مذاکره به‌عنوان راه‌حلی شد که تضمین می‌کند ارتش لبنان بین اسرائیل و حزب‌الله برگزار می‌کند اما هیچ‌کدام از طرفین تمایلی نشان ندادند. اسرائیلی‌ها اغلب ادعا می‌کنند که حزب‌الله این قطعنامه را نقض کرده است. این ادعا کذب است: هر دو طرف قرار بود برای راه‌حلی مذاکره کنند اما هیچ‌کدام برای شروع مذاکرات تمایلی نداشتند. اسرائیلی‌ها همچنین دوست دارند به مخاطب خود خیره شوند و ببرسند: «چگونه‌ا ما انتظار داریم تا با آن حیوانات نزدیک مرزمان زندگی کنیم؟ آنها می‌خواهند ما را نابود کنند!» بنابراین جنگ تنها گزینه است. هیچ‌کس به جنگ به‌عنوان گزینه مطلوب نگاه نمی‌کند. برای بعضی‌ها گزارشی بی‌وقفه به عصر جدید اسرائیلی است که از تمام روایت‌های صلح فراتر می‌رود و جنگ مداوم را در تمام جبهه‌ها ادامه می‌دهد. اما بیشتر اسرائیلی‌ها از جنگ استقبال نمی‌کنند؛ اما اجتناب‌ناپذیر است.

با این حال، این جنگ چه فایده‌ای دارد؟ تا کی ادامه خواهد داشت؟ بستگی دارد از کی برسید. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل جنگ می‌خواهد اما از شروع آن می‌ترسد، چون اگر کمین نظامی‌اش شکست بخورد نمی‌خواهد تمام تقصیرها گردن خودش بیفتد. برای اسرائیلی‌ها، تا زمانی که ارتش حمله زمینی نکند، جنگ محسوب نمی‌شود. نتانیاهو می‌داند که مردم اسرائیل از جنگ حمایت می‌کنند (همانطور که از جنگ غزه حمایت می‌کنند) اما همین مردم به انگیزه‌های نتانیاهو اعتماد ندارند. جنگی که اسرائیلی‌های خسته را مجبور می‌کند برای سوسمین بار در ۵۰ سال گذشته وارد لبنان شوند، جنگ نتانیاهو خواهد بود. نتانیاهو امیدوار بود سیدحسن نصرالله بالاخره صبرش را از دست بدهد و بهتر از آن ایران یک روزی وارد این درگیری شود.

اگر این اتفاق بیفتد او توجیه می‌کند که باید به لبنان حمله کند و می‌تواند آن را جنگی برای دفاع از خود نمایش دهد. نتانیاهو تا زمانی خوشحال است که نیروی هوایی بمباران‌های هوایی را تضمین کند و به‌اندازه کافی راضی است که بگذارد یوآ گالات، وزیر دفاع پیشین که دیگر با او رابطه خوبی ندارد، اعتبار تجزیه حزب‌الله را برای خود کسب کند.

گذشته برای حزب‌الله فاجعه‌بار بود. در مقایسه با سال ۲۰۲۲ زمانی که روسیه به اوکرین حمله کرد خطرناک‌تر است؛ زمانی که یک سنگواره مورد ستایش آشکار شد که نه مدرن بود نه قدرتمند. بر اساس شواهد آسیب‌پذیری قابل توجه حزب‌الله در روزهای اخیر، اسرائیل ممکن است مطمئن شود که می‌تواند به این گروه ضربه سنگینی وارد کند که دشمنانش نتوانند با ضربه معناداری جبران کنند. حزب‌الله قطعاً می‌تواند موشک‌های بهتری را شلیک کند اما بسیاری از آنها رهگیری می‌شوند. ذخایر حزب‌الله همچنین نامحدود نیست.

اگر حزب‌الله داوطلبانه عقب‌نشینی کند یا نپذیرد و خشونت ادامه پیدا کند، اسرائیل همچنان می‌تواند با نیروی هوایی برتر خود اهداف را یکی پس از دیگری بزند و در عین حال نگرانی چندانی نداشته باشد که حزب‌الله می‌تواند بهای سنگینی برای مراکز جمعیتی خود بپردازد. اسرائیل در غزه نشان داد که به غیرنظامیان اهمیتی نمی‌دهد. تأثیر افزایش خشونت بر مردم عادی لبنان شمشیر دولبه است: نفرت پیشین نسبت به همسایه جنوبی کاهش پیدا می‌کند اما همچنین بر دشمنی نسبت به خسارات و هرج و مرجی که حملات حزب‌الله به لبنان وارد کرده، دامن می‌زند.

حضور یک سرباز اسرائیلی روی زمین انجام شده است. مهم است که تأثیر روانی و عملیاتی چنین حمله‌ای مثل انفجار پیجرها بر هر دشمنی را نادیده نگرفت. اعضای حزب‌الله احتمالاً نمی‌دانند یا چه کسانی و چگونه باید تماس بگیرند. آنها پراکنده می‌شوند و به‌دنبال راهی می‌گردند. آنها احتمالاً نتوانند پاسخ یکپارچه‌ای دهند و زمان را برای درگیری بر سر انتخاب جانشینان از دست بدهند. با گذشت زمان، آنها ممکن است قیام کنند و با شدت بیشتری پاسخ دهند اما فعلاً اسرائیل از هرج‌ومرج بی‌رحمانه اولیه بهره‌برداری می‌کند. «تنش‌زدایی» در کجای این ماجرا قرار می‌گیرد؟ اسرائیل احتمالاً امیدوار است که حزب‌الله احساس کند ضربه بزرگی خورده و نسبت به آسیب‌های بیشتر به غیرنظامیان لبنانی نگرانی پیدا کند، در نتیجه موافقت می‌کند به شمال رودخانه لیتانی عقب‌نشینی کند و به خواسته‌های دشمن خود تن دهد به‌گونه‌ای که غیرنظامیان اسرائیلی می‌توانند به خانه‌های خود در شمال اسرائیل برگردند. اسرائیلی‌ها که به‌نظر می‌رسد کاملاً در ارتباطات حزب‌الله نفوذ کرده‌اند احتمالاً در مذاکرات داخلی این گروه نسبت به آنچه در نظر عمومی نشان می‌دهند، کنترل بیشتری دارند. از نظر نظامی هفته